

ملکه جهان از زنان فاضل جهان

روایتی کوتاه از زنان مسلمان تاریخ ایرانیان



نقیسه زمانی
کارشناس ارشد پژوهش هنر

را به نخست‌وزیری منصوب کند. بعد از حدود یک سال، خود نیز دستور عزل وی را صادر کرد اما مجلس دستور شاه را نپذیرفت. از طرفی، حمایت طرفداران رضاخان نیز مانع از آن شد که رضاخان از منصبش عزل شود. در این زمان، ملکه جهان در پاریس اقامت داشت و چون خبر به گوش بانو رسید، دیگر نمی‌توانست در برابر این ظلمی که در حق خانواده‌اش می‌شد سکوت کند. در نتیجه، تصمیم گرفت خود به تنهایی در برابر رضاخان پهلوی قد علم کند. به همین علت، از پاریس به عتبات عالیات سفر کرد تا نزد مراجع عراق برود و حکم فساد اخلاقی و از دین خارج شدن او را از مراجع بگیرد. هنوز اقدام بانو به موفقیت منجر نشده بود که رضاخان در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۰۴ در مجلس مؤسسان سوگند شاهی را قرائت کرده بود. احمدشاه نیز به فرانسه رفت و در سال ۱۳۰۸ درگذشت. بانو در سوگ فرزند و سرگذشت ناخوشنودی که بر آنان گذشت، در سوگ نشست. ملکه جهان در آبان ۱۳۲۶ در سن کلوی فرانسه درگذشت و کالبد او را در کنار همسرش و احمدشاه در کربلا به خاک سپردند. در بیان فضل بانو باید گفت ملکه جهان مجموعه‌ای از دعاها و اذکاری به نام «برهان‌الایمان» دارد.

محمود میرزا، عبدالمجید میرزا و فاطمه خانم شد. بانو همه تلاش خود را برای انجام وظایف مادری در برابر فرزندان خود صرف کرد. چون مظفرالدین‌شاه دار فانی را وداع گفت، همسر ملکه جهان بر تخت شاهی تکیه زد و بدین سان، بانو ملکه قاجار شد. فرزندش، احمد میرزا، نیز در مقام نایب‌السلطنه نشست. چون شاه قاجار بر خلاف پدر ملکه جهان با مشروطه‌خواهان مخالف بود، دستور به توپ بستن مجلس را داد. در نهایت، اوضاع به آنجا ختم شد که محمدعلی‌شاه از سلطنت خلع شد و زندگی برای ملکه جهان تلخ شد زیرا نظر بر آن بود که به طور کلی، سلسله قاجار منقرض شود، اما مشروطه‌خواهانی که در مجلس عالی حضور داشتند از ترس مشکلات مختلف چون رویارویی با روسیه تزاری تصمیم گرفتند فرزند ملکه جهان تاج شاهی را بر سر گذارد. از طرفی دیگر، قرار بر آن شد که محمدعلی میرزا و ملکه جهان نیز تبعید شوند. در این دوران، احمد میرزا دوازده ساله بود و بانو میل دور شدن از فرزند خویش را نداشت. فرجام چنین شد که ملکه جهان با همسر خویش، شاه خلع شده، از ایران خارج شدند. با به سلطنت رسیدن احمدشاه، شرایط طوری پیش رفت که شاه مجبور شد رضاخان سردار سپه

ناصرالدین شاه قاجار را از بانو منیرالسلطنه پسری بود به نام کامران میرزا که در طول انقلاب مشروطه، از مشروطه‌طلبان حمایت کرد. کامران میرزا با سرورالدوله، دختر حسام‌السلطنه، پسر عباس میرزا، ازدواج کرد. حاصل این ازدواج ۴ فرزند به نام‌های قمرالملوک، معصومه، ملکه جهان و فتح‌علی میرزا شد که ۳ تن از آنان در همان سنین کم از دنیا رفتند و تنها ملکه جهان برای پدر باقی ماند. ملکه جهان زاده سال ۱۲۹۲ هجری قمری برابر با ۲۱ ژوئن ۱۸۷۵ میلادی در تبریز بود. چون به سن ازدواج رسید، همچون دیگر شاه‌دخت‌ها، خواستگارانی درخور منزلت خاندان قاجار داشت. در میان آن‌ها فرزند مظفرالدین میرزا را برگزیدند و دوم شعبان ۱۳۱۰ هجری قمری، ملکه جهان به عقد محمدعلی میرزا (اعتضادالسلطنه) درآمد. ملکه جهان همچون پدرش مذهبش شیعه بود و از سواد و بینش پدر بهره‌مند گشته بود. پس از گذشت چندی از پیوند با محمدعلی میرزا، خدواند به بانو پسری عطا کرد که وی را احمد میرزا نام نهادند. بعد از آن، ملکه جهان صاحب فرزندان دیگری به نام‌های محمدحسن میرزا،



شهر بانو

۲۳ شهریور
۲ اسفند ۱۴۰۰
۱۹ رجب ۱۴۴۳ شماره ۲۷۱۱

(۸)

شهرزاد

دکتر سمانه پور محمد

پژوهشگر ارتباطات و رسانه



است، کاملاً مستند است. فهیمه محبی اصالتاً اهل انجدان از توابع استان مرکزی است. پدرش وکیل و همسرش خلبان هوانیروز ارتش بود که در زمان رژیم شاهنشاهی در حادثه‌ای مشکوک، بالگرد حامل آن‌ها سقوط کرد و کشته شد.

این کتاب قصه تناقض‌های زندگی فهیمه محبی است در یک خانواده مجتهد و همسرش را که ۱۶ سال از خودش بزرگ‌تر است، خودش انتخاب می‌کند. بعد از فوت همسر، تصمیم می‌گیرد به همراه پسر دوازده‌ساله‌اش برای زندگی به لندن برود. او هفت سال در لندن زندگی می‌کند و با وقوع انقلاب اسلامی به ایران بازمی‌گردد.

زندگی سعید، پسر فهیمه، خیلی جالب است. او فرزند خلبان رضا محبی است که به دلیل اشکال فنی هواپیما سقوط می‌کند و می‌میرد. بچه سستیزجویی بوده است به طوری که در لندن تصمیم به خرید اسلحه‌ای می‌گیرد تا شاهزاده ایران در زمان محمد رضا شاه را وقتی به سفارتخانه وارد می‌شود بکشد. بعد، به دلیل همین ماجرا، پلیس لندن چون سعید هنوز به سن قانونی نرسیده بوده است، فهیمه را دستگیر می‌کند و مدتی در زندان نگه می‌دارد.

نقطه عطف این ماجرا پسر فهیمه است که در زمان جنگ بیست‌ساله شده و با اینکه زبان فارسی را خوب صحبت نمی‌کرده است، می‌خواهد به جنگ برود. سپس در عملیات آزادسازی خرمشهر به فیض شهادت نایل می‌آید. واکنش‌های فهیمه در زمان شهادت پسرش خواندنی است. او تصمیم می‌گیرد به جبهه برود. بر همین اساس با کاروان‌هایی که مواد و کمک‌های اولیه به جبهه می‌بردند همراه می‌شود و با توجه شدن مسائل، سعی می‌کند بسیاری از کمبودها در پشت جبهه را با همکاری و ارسال مایحتاج رفع کند. او که تنها تا ششم ابتدایی درس خوانده بوده است، پس از جنگ هم همه زندگی خود را وقف چاپ و تولید محتوای دایرةالمعارف تاریخ تشیع می‌کند. با اتمام جنگ، او انتشاراتی را به نام پسر شهیدش تأسیس کرد و دایرةالمعارف تشیع را به چاپ رساند. او در راه چاپ کتاب‌ها همه دارایی‌اش را خرج می‌کند. فهیمه محبی در کنار خدمت پشت جبهه، خانه‌اش در انگلیس را می‌فروشد و پول آن را صرف انتشار مجلدات دایرةالمعارف تشیع می‌کند. این کتاب شرح تلاش‌ها و مجاهدت‌های فهیمه محبی است. فهیمه سرانجام در سال ۸۸ در پی ابتلا به بیماری سرطان درگذشت.

یادآور می‌شود کتاب «فهیمه» زندگی‌نامه داستانی «فهیمه محبی» به قلم نقیسه ثبات در ۴۸۰ صفحه و قطع جیبی از سوی انتشارات «روایت فتح» منتشر شده است.

نگاهی به زندگی‌نامه داستانی فهیمه محبی

تناقض‌ها و تعارض‌ها از لندن تا جبهه

«فهیمه یک آن دست رضا را پشت کمرش حس کرد. با همان شیطنت نگاهش کرد. انگشتش را بالا برد و به آسمان اشاره کرد: عمو اوچولم، سر بالا! با خدا حرف بزن! بعد، سرش را بالا گرفت. رفت تو. دستش را به پارچه سفید روی جنازه گرفت ولی بلندش نکرد. پارچه را تو می‌مشتی مجاله کرد: خدایا درسته دادی، درسته هم ببر! من کاملش رو می‌خوام! پارچه را کنار زد. خودش بود، سالم و درسته. زانوهایش خم شد. نشست بالای سر سعید: باز تو بردی! همیشه تو می‌بردی! هیچ وقت زورم بهت نرسید. رویش را برگرداند سمت قبر محمد حسین: بابا، به وقت فکر می‌کردم که باید از تو بخوام شفیع من و بچه‌ها باشی، ولی حالا کسی رو آوردم گذاشتم کنار که مطمئنم شفیع تو هم می‌شه. بعد دست کشید روی قبر رضا: بگیرش عمو اوچول. اینم سعید. تمام این سال‌ها نتونست زندگی کنه! این قدر به زندگی چنگ انداخت تا از دست رفت و آمد پیش خودت. حالا بگیرش. خاک‌ها را تکاند. ته‌مانده زندگی را ریخت روی قبر سعید.»

این‌ها بخشی از کتاب «فهیمه»، زندگی‌نامه داستانی فهیمه محبی، مادر شهید و رئیس تنها دایرةالمعارف تشیع ایران، به قلم نقیسه ثبات است. اگرچه کتاب روایت داستانی



فهیمه

• نویسنده: نقیسه ثبات

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمثم موسوی مهر
سردبیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی